

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره نهم، پاییز ۱۳۹۷

معرفی و نسخه‌شناسی مثنوی مرکز ادوار (سروده فیضی فیاضی)^۱

دکتر محمدمصطفی رسالت پناهی^۲

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

مژگان محمدی^۳

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

چکیده

شیخ ابوالفیض فیضی فیاضی (۹۵۴-۱۰۰۴ق) از شاعران پرکار و از سرآمدان سخن پارسی در شبه‌قاره هند است. وی در همه فنون شاعری به‌ویژه مثنوی‌های داستانی توانایی و مهارت داشته و به پیروی از نظامی چند منظومه داستانی به نام‌های *نل و دمن*، *سلیمان و بلقیس*، *هفت کشور*، *اکبرنامه* و *مرکز ادوار* را پدید آورده است. *مرکز ادوار* نخستین مثنوی از خمسه اوست که در سال ۹۹۳ق هم‌زمان با بخش‌های دیگر خمسه به سرودن آن پرداخت که ناتمام باقی ماند. پس از مرگ فیضی، ابوالفضل علمای، برادر وی، ابیات پراکنده این مثنوی را جمع‌آوری کرد و مؤخره‌ای به نثر بر آن افزود. این پژوهش به‌شیوه اسنادی، کتابخانه‌ای و توصیفی به معرفی این مثنوی، مضامین و نسخه‌هایی که از آن وجود دارد، می‌پردازد. مرکز *ادوار* که «مبدأ فیاض» و در بعضی نسخ «مرآت قلوب» نامیده شده، اثری است که بیش از

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۷

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۱/۲۴

۲ resalatpanahi1365.kashanu@gmail.com

۳ mohamadi.mo@fh.lu.ac.ir

هرچیز، رنگ و بوی مخزن‌الاسرار نظامی می‌دهد، در عین حال از نکته‌های حکمی، اخلاقی و تعلیمی و عرفانی خالی نیست. با توجه به سبک و شیوه بیان فیضی در این مثنوی، می‌توان او را یکی از مقلدان و نظیره‌گویان موفق نظامی نامید.

واژه‌های کلیدی

فیضی فیاضی، مثنوی، مرکز ادوار، مخزن‌الاسرار نظامی.

۱. مقدمه

بن‌مایه و جان‌مایه سخن در تمام منظومه‌های حکمی و عرفانی که در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری در سبک هندی سروده شده، سرمشق قرار دادن منظومه‌های استادان پیشین و در یک کلام، تقلید است. «سرمشق شاعران در سرودن منظومه‌ها، نخست مخزن‌الاسرار نظامی و بعد از آن منظومه‌های مشهوری از قبیل حدیقه سنایی، بوستان سعدی، مثنوی معنوی و همانند آن‌ها بوده است و تقریباً در همه آن‌ها جز تکرار اندیشه‌ها و گفتارهای پیشین، در طرز نوی از بیان فکر، چیز تازه‌ای دیده نمی‌شود. کار اساسی در سرودن این منظومه‌ها، تقلید و استقبال و جواب‌گویی به قصد اثبات توانایی شاعر در شاعری است، نه ابتکار در گویندگی یا نوآوری در جهان اندیشه‌مندی» (صفا، ۱۳۶۹: ج ۵، ۶۱۲). در میان این آثار منظوم، آنچه بر افق ادبیات و افکار عمومی بیشتر تافته، مثنوی مخزن‌الاسرار نظامی است که تبلور اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی و حکمی از یک سو در آن و نکته‌سنجی و دقت نظر عقلی و بلاغتی از سوی دیگر، آن را به یک اثر تمام‌عیار ادبی، اخلاقی و شاهکار تبدیل کرد و از دیرباز در قلمرو فارسی، که شبه‌قاره از آن جدا نیست، مورد مذاقه قرار گرفته است و اگر شاعران توان یا فرصت تقلید و جواب هر پنج مثنوی نظامی را نداشته‌اند، لااقل به مخزن‌الاسرار او عنایتی داشته‌اند و تأملی در مضمون‌های آن کرده، مضامینی جدید به قالب

فکر و سخن خود ریختند. از نخستین شاعر نظیره‌پرداز شبه‌قاره یعنی امیر خسرو تا قرن سیزدهم، در این سرزمین مثنوی‌های بسیاری به تقلید از *مخزن‌الاسرار* سروده شده است. برخی از این نظیره‌ها هم از دید ساختار، موضوعات، محتوا، وزن و حتی تعداد ابیات کاملاً شبیه *مخزن‌الاسرار* یا حداقل دارای برخی از این موارد است و تفاوت آن‌ها تنها تفاوت زبانی و میزان کاربرد صور خیال و... است.

شیخ ابوالفیض فیاضی (۹۵۴-۱۰۰۴ق) یکی از کسانی بود که به تقلید از نظامی برخاست و خمسه‌ای به سبک وی سرود. از آن جمله مثنوی *مرکز ادوار* را در مقابل *مخزن‌الاسرار* و مثنوی موسوم به *نل و دمن* را به نظم کشیده که مضمون آن را از حکایات هندی گرفته بود. مثنوی‌های دیگر او عبارت است از *هفت کشور*، *اکبرنامه* و *سلیمان* و بلقیس که ابیاتی از آن در نسخه‌ها ثبت و ضبط شده است.

دوره پادشاهی گورکانیان هند (۹۳۲-۱۲۴۷ق) عهد اعتلای نفوذ فرهنگ ایرانی و رواج بی‌چون و چرای زبان و ادب فارسی در سرتاسر شبه‌قاره هند بود. این نفوذ و رواج که در دوران پادشاهی جلال‌الدین اکبر (۹۴۹-۱۰۱۴ق) به کمال خود رسید، بعد از آن همچنان در حال گسترش بود و وضعی در هند به وجود آورد که دیگر زبان و شعر و نثر فارسی اختصاص به کسانی نداشت که از اصل ایرانی بودند، بلکه بسیاری از هندوان مسلمان و نامسلمان یا بازماندگان ایرانی که از روزگاران پیش به هندوستان رفته بودند، در شمار سخنوران نام‌بردار زبان فارسی درآمدند که از میانشان نویسندگان و گویندگان استادی همانند داراشکوه، غنی و از جمله فیاضی فیاضی برخاستند (همان: ج ۵، ۴۸). گرچه فیاضی در هندوستان زندگانی کرده است، در سلاست سخن و متانت و استحکام شعر به مقامی رسید که می‌توان او را هم‌رتبه شعرای ایرانی قرار داد. وی در آغاز شاعری فیضی تخلص می‌کرده، ولی اواخر عمر تخلص خود را فیاضی قرار داده، در پایان مثنوی *نل و دمن* خود بدین موضوع تصریح کرده:

زین پیش که سکه‌ام سخن بود فیضی رقم نگین من بود
اکنون که شدم به عشق مرتاض فیاضی‌ام از محیط فیاض
(فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۲۲۹)

مؤلف منتخب‌التواریخ دلیل تغییر تخلص فیضی را در آن دانسته است که وقتی برادرش، ابوالفضل در دربار اکبرشاه به گرفتن خطاب «علّامی» سرافراز گشت، برای موافق نمودن به وزن علّامی، تخلص فیاضی اختیار کرد (بداؤنی، ۱۳۸۰: ج ۳، ۲۰۵). به گمان ذبیح‌الله صفا دلیل این تغییر در آن بود که آن زمان در دربار اکبرشاه چند نفر شاعر دیگر با تخلص فیضی وجود داشتند، مانند فیضی تربتی، فیضی سرهندی، فیضی اصفهانی و... به همین دلیل معتقد است: «شاید سبب کثرت همین فیضی‌ها بود که ابوالفیض در اواخر حیات، تخلص خود را به فیاضی تغییر داد» (صفا، ۱۳۶۹: ج ۵، ۸۴۴).

۱-۱. پیشینه پژوهش

از دیوان فیضی با همه شهرت و اعتباری که در تاریخ ادبیات فارسی دارد، هنوز تصحیح علمی و انتقادی انجام نگرفته است. البته چند چاپ سنگی در هند از دیوان او انجام شده (نوشاهی، ۱۳۹۰: ۲۰۸۰) که گزیده‌ای از اشعار اوست و هیچ‌کدام از این چاپ‌ها شایسته چنین شاعر توانایی نیست. در سال ۱۳۴۶ش (۱۹۶۷م) اداره تحقیقات پاکستان قسمت اول دیوان وی را که شامل قصاید، ترکیب‌بندها، ترجیعات و غزلیات بود، چاپ کرد و همین چاپ در سال ۱۳۶۲ با مقدمه کوتاهی از حسین آهی، در ایران چاپ (افست) شد. همچنین درباره مضامین غنایی در سروده‌های وی، پژوهشی با عنوان «فیضی فیاضی و غزل غنایی وی» انجام گرفته و اثبات شده که فیضی یکی از برجسته‌ترین غنایی‌سرایان سرزمین هندوستان است و دیوان وی، به‌ویژه غزلیاتش، یکی از مهم‌ترین متون غنایی ادب فارسی در شبه‌قاره هند به شمار می‌رود (رسالت‌پناهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱-۹۰). مرکز/دوار همراه با برخی از قسمت‌های بازمانده خمسه فیضی در سال ۱۲۹۰ق/

۱۸۷۳م در کانپور هند به چاپ سنگی رسیده است. به‌رغم تلاش‌های فراوان موفق به یافتن این چاپ نایاب نشدیم. تصحیح و تعلیق مثنوی مرکز ادوار از روی چهار نسخه ناقص با مقدمه‌ای کوتاه به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه کاشان انجام شده و نام فیضی به‌اشتباه در عنوان پایان‌نامه «فیض دکنی» معرفی شده است (محمدی‌پور، ۱۳۹۴). تاکنون دربارهٔ خمسهٔ فیضی و به‌خصوص مثنوی مرکز ادوار، نسخه‌های معتبر، سبک و شیوهٔ فیضی در این اثر و تأثیرپذیری وی از نظامی پژوهشی انجام نگرفته است.

۲-۱. اهمیت و ارزش تحقیق

از آنجا که متون ادبی هویت و فرهنگ یک کشور را به تصویر می‌کشد، احیای یک اثر ادبی در حقیقت، حیات بخشیدن به هویت و ملیت یک کشور است. این موضوع متحقق نمی‌شود مگر آنکه در احیای این موارث فرهنگی و ذخایر ملی و ادبی کوشا باشیم و به شناسایی آثاری بپردازیم که سال‌هاست در انزوا فرو رفته و فراموش گردیده‌اند تا راه را برای آیندگان، در جهت پژوهش و تحقیق در آثار پیشینیان هموارتر سازیم. با توجه به اینکه از این مثنوی تاکنون تصحیح انتقادی و منقحی صورت نگرفته و سبک بیان و ویژگی‌های فکری و نوآوری‌های فیضی در این مثنوی به‌صورت ناشناخته باقی مانده است، تصحیح و تحقیق دربارهٔ آن می‌تواند از جهاتی ارزشمند و مهم باشد. نخست آنکه یک متن ادبی است و احیای آن می‌تواند در مباحث ادبی به کار اهل ادب آید و مواد فراوانی را برای پژوهش‌های گوناگون در اختیار آنان قرار دهد. همچنین نظر به اینکه فیضی از نظیره‌گویان و مقلدان موفق آثار نظامی است، با بررسی این اثر می‌توان دریافت که سراینده تا چه حد تحت‌تأثیر نظامی بوده و اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقی را در سرودهٔ خویش منعکس کرده است.

۲. عصر زندگانی و شرح احوال فیضی

زبان فارسی در دورهٔ گورکانیان هند به‌ویژه دورهٔ اکبرشاه که هم‌زمان با عصر زندگانی فیضی است، به‌عنوان نیرومندترین عامل در انتقال فرهنگ و آداب‌ورسوم کهن ایرانی و پیشرفت

فرهنگی و ادبی و هنری اسلامی در این خطه بود. اکبرشاه به وسیله زبان فارسی نهضت فکری و فرهنگی در زمینه‌های مختلف ایجاد کرد و به پشتوانه او درباریان ادیبی چون فیضی و برادرش ابوالفضل علّامی شاهکارهای ادبی به زبان فارسی تألیف کردند. در این میان فیضی توانست گوی سبقت را از دیگر ادبا و رقبا برآید و به مقام ملک‌الشعرایی دربار دست پیدا کند.

وی در سال ۹۵۴ هجری قمری در شهر آگره هندوستان به دنیا آمد. به قول بعضی از تذکره‌نویسان در ناگور از مضافات اجمیر تولد یافت (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۵۶؛ سحر کاکوروی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۱۵). گذشتگانش عرب‌نژاد بوده، از یمن به سند مهاجرت کرده بودند. برادرش شیخ ابوالفضل علّامی در *آیین اکبری* راجع به شرح حال خود و اجداد خویش خبر داده است که تمام تذکره‌نویسان مطالب تألیفی خویش را با کمی تغییرات از روی این کتاب نقل کرده‌اند (نک: علّامی، ۱۳۱۰: ج ۳، ۲۰۲-۲۰۳).

ادبیات‌شناسان معاصر ایران چون ملک‌الشعرای بهار، ذبیح‌الله صفا، رضازاده شفق، وحید دستگردی و دیگران از فیضی فیاضی با نام «فیضی دکنی» یاد کرده‌اند. در تذکره‌واله داغستانی آمده: «و اینکه در ایران به دکنی اشتهار دارد، غلط محض است» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۵۶). دکنی معروف‌شدن فیضی شاید به دلیل اقامت دوساله او به عنوان سفیر در این ولایت باشد.

فیضی عمر طولانی نداشت و چنان‌که از مؤخره پایانی مرکز/دوار که به قلم برادرش است، برمی‌آید هنگام ویرایش مرکز/دوار وفات یافت. «شب رام بیست و یکم مهر ماه الهی سال چهارم، دهم صفر هزار و چهار (۱۰۰۴) هلالی در گرمی آراستن این نامه گوهرامود، فرمان در رسید» (فیضی، بی تا: ۱۷۷).

جسد فیضی را از لاهور که سال‌های پایانی عمرش را در آنجا سپری کرده بود، به خانه‌اش در آگره منتقل کردند و در بقعه خانوادگی ایشان در جایی باصفا کنار پدر به خاک سپرده شد (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۳۳۴۳).

کلیات فیضی شامل چند بخش است و نخست خود او بخش اصلی آن را تدوین کرد و سپس گزیده‌ای از آن را به ایران فرستاد، اما متن کامل کلیات وی را ابوالفضل علمای در سال ۱۰۰۶ گرد آورد. کلیات دیوان اشعار او حاوی بخش‌های زیر است:

الف. دیباچه‌ای منثور در شرح احوال خود؛

ب. قصاید، ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندها؛

ج. غزلیات؛

د. اشعار پراکنده، شامل مثنوی‌های کوتاه، رباعیات، قطعات، معیات و...؛

ه. خمسه‌ناتمام که در بخش‌های قبل بدان اشاره کردیم.

۳. مختصری درباره مرکز ادوار

اکبرشاه در سال ۹۹۳ فیضی را به نظم خمسه‌ای به سبک نظامی مأمور فرمود. مرکز ادوار که با نام «مبدأ فیاض» و نیز «مرآت القلوب» شناخته می‌شود (مولوی آغا احمدعلی، ۱۹۶۵م: ۱۱۷-۱۱۸؛ خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵: ۴۶۵)، در شهر فاتح‌پور گفته شده و نخستین منظومه از خمسه فیضی است که وی در سال ۹۹۴ در آستانه چهل‌سالگی، هم‌زمان با بخش‌های دیگر خمسه به سرودن آن پرداخت. خود شاعر اشاره‌ای دارد که مانند نظامی در آستانه چهل‌سالگی این مثنوی را سروده:

شوق کز این نامه پر و بال داشت عقل کمال چهلیم سال داشت

(فیضی، قرن ۱۱: گ ۷۳۴ ر)

و در شعرش به نام کتاب و خمسه‌سراییش اشاره کرده است:

در خم این چنگ فسون‌کار بین پنج نوا بسته به یک تار بین
پی به فلک می‌برد این پنج راه راه سخن می‌زند این پنج گاه
چون شود این پنج گهر تابناک غوطه خورد پنجه قلزم به خاک

نقش ازل بین که به سطح بسیط مرکز من دایره را شد محیط
آن‌که چنین جنبش پرگار کرد نام ورا «مرکز ادوار» کرد
(همان: گ ۶۷۲ ر)

این اثر دست‌نویسی کامل ولی نه نهایی بود و هنگامی که بخش‌هایی از آن به اکبرشاه تقدیم شد، بسیار پسندید و بدان نام «مرآت قلوب» داد:

شاه که مرآت قلوبش نوشت آینه بردار که خوبش نوشت
(همان: گ ۷۳۴ ر)

گرچه فیضی ده سال پس از این تاریخ زنده بود، نتوانست این مثنوی را به سرانجام برساند. پس از مرگ فیضی برادرش ابوالفضل علمای ابیات متفرق وی را جمع کرد و خاتمه‌ای به نثر بر آن افزود. در این مؤخره از گردآوری و تدوین اشعار فیضی و نیز واقعه مرگ او سخن رفته است.

فیضی هرگز فرصت نیافت خمسه خود را کامل کند و فقط *نل* و *دمن* را به اتمام رساند و حدود هزار و اندی بیت نیز از مثنوی مرکز/ادوار را سروده بود که درگذشت.

۴. معرفی مهم‌ترین و کامل‌ترین نسخه‌های موجود از مرکز ادوار

از این مثنوی نسخه‌های کم‌وبیش کاملی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۴-۱. نسخه خطی دانشگاه کشمیر

این نسخه به شماره ۴۷۲۰۹ در کتابخانه علامه اقبال لاهوری دانشگاه کشمیر نگهداری می‌شود. تعداد صفحات آن ۱۹۳ صفحه و هر صفحه ۱۳ بیت دارد و در سال ۱۳۰۰ توسط سید حسن عسگری کتابت شده و از خط نستعلیق زیبایی برخوردار است. آغاز نسخه: *بسم‌الله الرحمن الرحیم. انجام: دل دوستان را برو نور باد/ وزو طعنه دشمنان دور باد.* در آخر نسخه آمده: «الحمد لله والمنه که مثنوی مرکز ادوار تصنیف شیخ فیضی فیاضی اکبرآبادی غفرالله به

تاریخ هفتم جمادی الثانی سنه ۱۳۰۰ هجری قدسی مطیانی ۱۵/ ماه سنه ۱۸۸۳ عیوی به مقام موضع مونجی بهار بود صانها الله العالی عسی الشر الشرور و آفات الدهور به خط بی ربط بنده سید حسن عسگری ولد سید بهادر علی حسینی بلگرامی و فی الحال مقامی قصه به آغازه اختتام بر روی خوش خوی خرد کشید. نقشی به زمانه یادگاری است ز من... ز خداوندگان امید مغفرت دارم.» در این نسخه عنوان‌های هر بخش به صورت کامل نوشته شده است.

۲-۴. نسخه خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این نسخه به شماره ۳۱۷۰۳ در کتابخانه ملی ایران محفوظ است. تعداد صفحات آن ۱۴۸ صفحه و هر صفحه ۱۶ بیت دارد و توسط کاتب میرفاضل سیفابی کتابت شده و دارای خط نستعلیق زیبایی است. آغاز نسخه: بسم الله الرحمن الرحیم. انجام: فیضی ازین فیض دلت تازه باد/ مغز ز جوش تو پر آوازه باد. در آخر نسخه آمده: «تمت الکتاب مرکز ادوار شیخ فیضی که به مبدأ فیاض و مرآت القلوب مسماست به تاریخ یوم الاثنین ۱۶ شهر رمضان المبارک ۱۲۰۱ کاتب بی مقدار خاکسار شاه میرفاضل سیفابی» در صفحه ۱ و ۲ حاشیه مذهب و بین سطرها پلاننگاری شده، سرلوح مذهب دارد. در این نسخه جای عنوان‌های هر بخش خالی باقی مانده است.

۳-۴. نسخه خطی دیگری از کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این نسخه به شماره ۳۴۹۰۷ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. تعداد صفحات آن ۱۱۳ صفحه و هر صفحه ۱۱ بیت دارد. از خط نستعلیق زیبایی برخوردار است. آغاز نسخه: خسرو خندان دل فرخنده چهر/ خنده او عقده گشای سپهر. انجام: آزاد خاطر آگاه از آهنگ بازپسین گشاده‌پیشانی به شهرستان تقدس خرامش فرمود. در این نسخه عنوان‌ها به صورت کامل نوشته شده است.

۴-۴. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۸۶۷۱۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. تعداد

صفحات آن ۶۴ صفحه و هر صفحه ۱۹ بیت دارد و کاتب آن خواجه علی سمرقندی است و پنجشنبه بیست و پنجم شوال ۱۰۳۶ آن را نگاشته است. آغاز نسخه: بسم الله الرحمن الرحيم. انجام: طایری از عشق برانگیخته/ در قفس افتاده و پر ریخته. این نسخه نصفه در دست است و پایان نسخه مشخص نیست. در این نسخه عنوان‌ها نیامده و فقط در پایان نسخه موجود تعدادی عنوان آمده است.

۵-۴. نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی

این نسخه به شماره ۴۳۴۴۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و مشتمل بر کلیات فیضی است. قصاید (ص ۴-۶۶)، غزلیات (ص ۶۷-۱۶۵)، قطعات و ماده‌تاریخ‌ها (ص ۱۶۶-۲۳۱)، مثنوی نل و دمن و مرکز ادوار (ص ۲۳۲-۳۶۵)، خط: نستعلیق زیبا، بدون کاتب، تاریخ کتابت: قرن ۱۱.

۶-۴. نسخه چاپ سنگی

خمسۀ ناتمام فیضی است مشتمل بر مثنوی مرکز ادوار همراه با برخی از ابیات باقی مانده از مثنوی‌های دیگر که در سال ۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳ م در کانپور هند به چاپ رسیده است. این چاپ فوق‌العاده کمیاب است و اطلاعات زیادی از آن در دست نیست و تا نیافتن و بررسی نکردن نمی‌توان در مورد صحت ابیات آن به فیضی اظهار نظر کرد. ارجاعات ما در این پژوهش بر اساس نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی است.

۵. جایگاه ادبی فیضی و اهمیت مرکز ادوار

تقریباً همه تذکره‌نگاران و محققان و مؤلفان سرچشمه‌های ادبی و تاریخی هنر شاعری و شیوه بیان فیضی را مورد ستایش قرار داده‌اند. مؤلفان مآثر رحیمی، تذکره حسینی، صحف ابراهیم، تذکره آفتاب عالم‌تاب، خیرالبیان، مجمع‌النفایس، خزانه عامره، سرو آزاد، نتایج‌الافکار و... نبوغ فیضی را در شعر و هنرهای دیگر ستوده‌اند.

ادبیات‌شناسان در سلاست سخن و متانت و استحکام شعری، فیضی را پس از امیرخسرو دهلوی بزرگ‌ترین شاعر فارسی‌گوی هند دانسته‌اند. نویسنده شعرالعجم نبوغ فیضی را در شعر و هنرهای دیگر ستوده و فیضی را در ردیف همان شعرای فارسی‌گوی هند می‌داند که پژوهشگران نیز آن‌ها را در هنر شاعری استاد خوانده‌اند. «شاعری فارسی در مدت مدید ششصد سال در هندوستان دو شخص پدید آورده که خود اهل زبان، یعنی گویندگان ایران هم ناچار شده آن‌ها را تصدیق و قبول نمایند و آن دو یکی خسرو و دیگری فیضی است» (نعمانی، ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۶).

در میان مثنوی‌های فیضی آنکه تقریباً به سرانجام رسید، همین مثنوی مرکز ادوار است که با توجه به سبک و هنر بیان فیضی در این اثر و همچنین اظهارات صاحب‌نظران ادبیات می‌توان آن را نظیره‌ای موفق از مخزن‌الاسرار نظامی شمرد. نویسنده کتاب سیری در شعر فارسی درباره مثنوی‌سرایی فیضی می‌گوید: «فیضی با آنکه غیر از علوم رسمی در طب و ریاضی تبحر داشت و در عین حال اهل حکمت و تصوف هم بود، به شاعری تمایل فطری نشان می‌داد و در این شیوه مخصوصاً به طریقه نظامی و سنایی نظر خاص داشت» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۱۲۰). مؤلف کتاب پارسی‌گویان هند و سند درباره فیضی می‌نویسد: «در تمام ارقام شعر طبع‌آزمایی کرده، ولی امتیازش در غزل و مثنوی است» (سدارنگانی، ۱۳۵۵: ۶۶).

۶. ساختار و مضامین مطرح‌شده در مرکز ادوار

ساختار کتاب مرکز ادوار فیضی متأثر از مخزن‌الاسرار است و او مانند نظامی در بیست مقاله موضوعات گوناگونی را مطرح کرده که به ترتیب این‌گونه است: مناجات در تقدس ایزدی، مناجات در نیرنگی ابداع، مناجات در احاطه کل، مناجات در عرض حال، خطاب آستان‌بوس، خلوت در انجمن، نیایش نفس، ستایش سخن، نیرنگی نغمه، چهره‌کشایی قلم، بهار آفرینش، شکوه بشر، پرتو دل، فروغ خرد، نورآگاهی، کوبه حسن، دیده‌بانی نظر،

جوش عشق، نشاط بیداری، طلوع صبح؛ هرچند ممکن است مقالات پایانی این کتاب توسط برادر وی ابوالفضل علّامی تکمیل شده باشد. فیضی در پایان هر بخش، به سبک نظامی یک حکایت متناسب با موضوع و برای تفهیم بیشتر موضوع مورد بحث مطرح کرده است. اینک اصلی‌ترین مباحث مطرح شده در این کتاب:

- تفسیر حروف بسم‌الله الرحمن الرحیم

چنان‌که می‌دانیم اولین کسی که این آیه را در شعر تضمین کرد، نظامی گنجه‌ای بود که *مخزن‌الاسرار* خویش را با آن شروع نموده است و پس از نظامی، این تضمین مورد استقبال مقلدان بسیاری قرار گرفت و بسیاری از شاعران در تتبع از *مخزن‌الاسرار* منظومه‌ای را فراهم آوردند و این آیه شریفه را تضمین نمودند. مولوی آغا احمدعلی مؤلف *تذکره هفت آسمان* تعدادی از شاعران و هاشمی کرمانی در کتاب *مظهرالآثار* مجموعه‌ای از شاعرانی را که از این آیه و به استقبال از *مخزن‌الاسرار* نظامی تقلید کرده، برشمرده‌اند که از آن جمله می‌توان به امیرخسرو دهلوی، سید علی همدانی، کاتبی نیشابوری، عبدالرحمن جامی، غزالی مشهدی، عرفی شیرازی، صرفی کشمیری، حکیم شفایی اصفهانی، نورالدین ظهیری، ابوالقاسم حسینی، زلالی خوانساری، محمدتقی سلیم تهرانی، ابراهیم ادهم، عبدالرزاق لاهیجی، فانی کشمیری، محمدباقر نائینی، جوای کشمیری، میرزا صادق نامی اصفهانی، ابجدی هندی، قاسمی گنابادی، سپهر کاشانی، ندیم مشهدی و... اشاره کرد که در کتاب *مخزن‌الاسرار* (خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵: ۱۷-۱؛ هاشمی، ۱۹۵۷: ۱۲-۳).

باری فیضی فیاضی یکی از این سراینندگان است. فیضی در *مرکز ادوار* از *مخزن‌الاسرار* نظامی پیروی کرده و آغاز کتابش را با توضیح و تشریح «بسم‌الله الرحمن الرحیم» شروع و با مضامین عرفانی و تعلیمی همراه کرده و موضوعات مختلف از قبیل عشق، عقل و... را با دید عرفانی نگریسته است.

بسم الله الرحمن الرحيم
گنج ازل چیست کلام خدای
نقد دو کون است در این مایه درج
بو که شوی کاشف اسرار بسم
جلوه‌ده حرف شگرفش نگر
گنج ازل راست طلسم قدیم
مهر ابد کرده به نام خدای
چار کتاب است در این آیه درج...
وز سر این گنج گشایی طلسم
موی به مو حرف به حرفش نگر
(فیضی، قرن ۱۱: گ ۶۴۴ پ)

و پس از این ابیات به تفسیر حروف بسم الله می‌پردازد که جالب و قابل توجه است.
چیست الف در کنف با نهان
با شده در شکل الف جلوه‌گر
سین چو ببیند ز تو این عقل و رای
دامن می‌میش سوی الله کشان
در تتق اسم مسما نهان
می‌دهد از وحدت و کثرت خبر
بر تو کند خنده دندان‌نمای
می‌دهد از سر مع الله نشان...
(همان: گ ۶۴۴ ر)

– تحمیدیه یا توحیدیه

فیضی ابتدای کلامش را مانند همه شاعران، با نام و ستایش خداوند آغاز کرده است. در قلمرو پهناور ادب کهن پارسی، کمتر کتاب یا منظومه‌ای را می‌توان یافت که دیباچه آن مزین به مدح و آفرین جهان‌آفرین و اقرار به یکتایی و یگانگی و نیز بر شمردن صفات خداوندی نباشد. «شاعران و نویسندگان همواره در آغاز آثار خویش با بهره‌وری از سرمایه بلاغت خویش به اثبات وجود پروردگار و توصیف مظاهر صنع او و بیان نظم و عظمت جهان هستی پرداخته و به‌رغم شیوه‌های خشک فلسفی و کلامی، با تنوعی دلپذیر و نحوه‌ای که هم خرد را ارضا می‌کند و هم احساسات پاک را ب می‌انگیزد، افکار خویش را درباره آفریدگار جهان و اهداف آفرینش در زیباترین تعبيرات به رشته نظم کشیده‌اند» (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۶۶).

فیضی بعد از تفسیر آیه شریفه بسم الله ستایش خداوند را آغاز می‌کند و قدرت وی را

توصیف می‌نماید و از آنجایی که اثر وی یک کتاب عرفانی است، در ادامه به مناجات با خداوند می‌پردازد و باز به عظمت و بزرگی خداوند اقرار می‌کند. پس از تحمیدیه، یکی از برجسته‌ترین موضوعات مطرح‌شده در متون فارسی مناجات است. این مناجات‌ها که در زبان شاعران با تعابیر مختلفی چون نیایش، قصه کردن، رازگویی، دعا و... از آن یاد شده، از دید انواع ادبی مربوط به نوع غنایی است و دارای مایه‌های بسیار شدید عاطفی. فیضی چند مناجات جالب و بدیع دارد. یکی مناجات در «نیرنگی ابداع» و دیگری مناجات در «احاطه کل» و دیگری مناجات در «عرض حال». ابیات این بخش، با همه پیچیدگی‌های زبانی و برخورداری از تصاویر و اصطلاحات نجومی، استعارات و تشبیهات و کنایات دور و شگفت و بهره‌گیری از اندیشه‌های کلامی و فلسفی و... به‌راستی از زیباترین و مؤثرترین و استوارترین ابیات منظومه است و در نوع خود نظیری ندارد.

– مضامین ادبی

مخاطب شعر تعلیمی غالباً مردمی هستند که از فضل و دانش بی‌بهره‌اند و بلاغت ایجاب می‌کند سخن به اقتضای حال آنان ساده و خالی از تعقید و پیچیدگی باشد، درحالی‌که مرکز ادوار به‌خصوص بخش‌های اول آن از دشواری و پیچیدگی خالی نیست. بی‌تردید بخش اول و نوآورانه این اثر تمهیدی است برای آنکه جامعه اهل فضل و شعر، سراینده را در جرگه خود بپذیرند.

فیضی در این منظومه بحثی دارد که نشان از ملامت شدید هم‌عهدانش از پرداختن شاعر به ظواهر و نیندیشیدن به معنی و مضمون می‌دهد. حاصل سخنش این است که چنین شاعرانی هنر خود را در قافیه‌سنجی و آوردن ردیف و عبارت‌پردازی دانسته، از فکر و معنی نو که استادانه در لفظ بیان شود، غفلت دارند. باید سخن را به معنی نو و لفظ کهن آراسته کرد:

شعر به اندازه جمعی ظریف	پیروی قافیه هست و ردیف
رفته و خود را به عبارت زده	فکرشان خانه غارت زده

بلبلشان از گل معنی نفور سنبلشان از چمن عشق دور
تا ز تو آراسته گردد سخن معنی نو باید و لفظ کهن
(فیضی، قرن ۱۱: گ ۶۸۲ پ)

بیهوده نیست که آنان این‌همه بر شکل و ظاهر کلام و چگونگی ادای آن تأکید و توجه داشته و همواره صورت را مهم‌تر از معنا می‌دانسته‌اند؛ هرچند در بیان نظریه‌های خویش یکسره معنا را ستوده‌اند و آن را اصل و اساس شعر دانسته‌اند، در عمل به‌رغم همه سخنان خویش کاملاً صورت‌گرا بوده‌اند و برتری را از آن شاعری می‌پنداشتند که معنا را ه چند تکراری و عام و همگانی با صورتی زیبا و خوش به بیان آورد. فیضی همواره این سخن نظامی را پیش چشم داشته:

به که سخن دیرپسند آوری تا سخن از دست بلند آوری
(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۴)

و مشکل‌پسندی را در اشعارش به کار می‌گرفته است:

تا نشود طبع تو مشکل‌پسند شعر تو مشکل که شود دل‌پسند
(فیضی، قرن ۱۱: گ ۶۸۰ پ)

مشکل‌پسندی شاعران این دوره را باید ریشه بسیاری از تعقیدات و پیچیدگی‌های شعر این عصر دانست. طبق مبانی و معیارهای زیباشناسی شاعران سبک هندی، شعر مشکل و دشواری که معنای آن به‌سادگی فهمیده نشود، بهترین شعر است. مشکل‌پسندی شاعران متعاقباً پیامدهایی را از لحاظ بیانی برای شعر به ارمغان آورده که از آن به «معنی‌گرایی» یاد شده است. «مشکل‌پسندی و گرایش به سوی پیچیده‌گویی بدون تردید شاعر را به تلاش‌های سخت برای دستیابی به معنی و مضمون تازه وادار می‌کند؛ معنایی که وقتی در شعر پیچیده شود و به‌سادگی به ذهن مخاطب نیاید، اعجاب و تحسین او را برانگیزد. کوشش برای یافتن چنین مضامینی یکی از دغدغه‌های بزرگ شاعران سبک هندی است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۹). فیضی از این گرایش و

توجه خود به «معنی» بارها با تعبیر گوناگون یاد کرده است؛ تعبیرهایی چون «معنی‌نگاری»، «معنی باریک»، «معنی دل‌فروز»، «معنی تر»، «معنی دل‌نشین» و «معنی رنگین» و

معنی باریک فکر است اینکه من دست در زلف پریشان می‌زنم

(فیضی، ۱۳۶۲: ۱۴۴)

فیضی حدیث عشق رقم زن که خامه‌ات معنی‌نگار و نکته‌طراز آفریده‌اند

(همان: ۳۴۱)

ز فرق تا به قدم مو به موی من معنی است گمان مبر که در این خانه نقش دیوارم

(همان: ۴۴۳)

در همین مثنوی نیز اشاره می‌کند که رسیدن به معانی رنگین برای شاعر کار آسانی نیست و این امر زمانی میسر می‌شود که دل او خون شود:

تا نشود خون دل سنگین تو را رو ندهد معنی رنگین تو را

تا نشود دل ز تو آتش‌نشین از تو نخیزد سخن آتشین

(فیضی، قرن ۱۱: گ ۶۸۰ پ)

سپس توصیه می‌کند نباید گرد سخن کس گشت و باید از راه تصفیة باطن این در را به سوی خود گشود؛ نباید به تاراج لفظ و معنی و خیال دیگری رفت و نباید گفت این معنی که مال دیگران است، من بهتر از او پرورش داده‌ام:

در ره دل پیش رو و پس مگرد در به گرد سخن کس مگرد

تصفیة باطن مرتاض کن رو به سوی مبدأ فیاض کن...

چند به تاراج سخن تاختن بزم ز شمع دگران ساختن

چند خیال دگر اندوختن کیسه پی نقد کسان دوختن...

بانگ برآری که نکو بسته‌ام معنی او را به از او بسته‌ام

گرچه تو این حرف کزو بسته‌ای خود بگرفتم که نکو بسته‌ای

ماشطه با غالیه و سندروس
قطع نظر کن ز خیال دگر
دعوی شویی نکند بر عروس
ز آنکه پسرخوانده نگردد پسر
(همان: ۶۸۲ پ)

باید طالب معنی خداداد بود و نباید معنی و مضمون دیگران را در شعر خود آورد:
هرچه خدا داد به آن شاد باش
طالب معنی خداداد باش
قصد خیال دگران تا به کی؟
جود به مال دگران تا به کی؟
(همان جا)

نباید دعوی توارد کرد و یا آنکه دیوان خود را از شعر این و آن به بهانه تضمین پر نمود.
این‌ها همه کارهای کوتاه‌فکرانه و نابخردانه است. باید همیشه آماده بهره‌مندی از فیض ازلی
بود که هیچ‌گاه منقطع نگردیده و نخواهد گردید:

گه به توارد علم افراختن
این‌همه از کوتاهی راه توست
گاه به تضمین سپر انداختن
وین همه از فکرت کوتاه توست
فیض ازل را نبود انقطاع
ملک ابد را نبود اتزعاع
(همان جا)

- مفاخره

نشان مفاخره و خودستایی را بر پیشانی بلند تاریخ ادبیات ایران و کم‌وبیش در آثار
کوچک و بزرگ ادب فارسی می‌توان جست و سراینده‌گان با آوردن واژه‌ها و ترکیبات
متکلف و غریب و همچنین نوآوری و نوگرایی در معنی و مضمون، درصدد بودند تا توانایی
خود را به نمایش بگذارند و آن را به رخ رقیبان بکشند. فیضی نیز یکی از شاعرانی است که
در فخریه‌سرایی طبع خود را آزموده و در تمامی آثار خود از جمله این مثنوی هنر و
توانایی‌های خود را در سرودن شعر ستوده است.

من که چو می جوش سحر می‌زنم
موجه به جیحون نظر می‌زنم

موج سخن جوهر تیغ من است بر دل دریا گهرم روشن است
باده من پخته‌تر از روزگار ساغر من شسته‌تر از نوبهار
(فیضی، قرن ۱۱: گ ۶۶۰ ر)

هرچند فیضی میان هندیان پارسی‌گوی در عهد خود یکتا بود، به اعتقاد بعضی از سرایندگان تازگی سخنش چندان نبود که بتواند گویندگان این عهد را بر این نوگویی راهبری کند. علی احمد نشانی لاهوری (م ۱۰۲۰) پسر مولانا حسین نقشی لاهوری انگشت بر سخن او نهاد و او را مقلد و تکرارکننده لفظ و معنی این و آن خواند و در ابیاتی بر وزن مرکز/دوار بر او تاخت و گفت:

چند زنی لاف که در ساحری سامری‌ام سامری‌ام سامری
دعوی ایجاد معانی مکن شمع نه‌ای چرب‌زبانی مکن
طبع تو هرچند در هوش زد یک سخن تازه نشد گوش‌زد
آنچه تو گفتی دگران گفته‌اند در که تو سفتی دگران سفته‌اند
خانه که از نظم بیاراستی آب و گلش از دگران خواستی...
چند پی نقد کسان سوختن چشم به مال دگران دوختن
جمع مکن نقد سخن‌پروران کیسه مکن پر ز زر دیگران
یک سخن از نظم تو نبود درست مضحکه اهل سخن نظم توست
شعر تو را گر به میان آورند عیب تو یک‌یک به زبان آورند
شعر تو را پیش تو تحسین کنند وز پس تو لعنت و نفرین کنند

(به نقل از مولوی آغا احمد، ۱۸۷۳م: ۱۲۹-۱۳۱)

دیگر مضامین:

- خطاب آستان‌بوس مدح اکبرشاه

که در آن نیز دلاوری و قدرت مطلق ممدوح ستایش شده است با مطلع:

ای دو جهان عقل مسلم تو را دور شهنشاهی عالم تو را
(فیضی، قرن ۱۱: گ ۶۶۶ ر)

فیضی در کتاب خود به مدح جلال‌الدین پدر اکبرشاه غازی می‌پردازد و بعد از مفاخره اقرار می‌کند که هرچه دارد از الطاف جلال‌الدین دارد:

آن‌که تذروم به سخن راه یافت بال و پر از مدح شهنشاه یافت
شاه هم‌افسر طاووس‌بخت صبح بلند اختر خورشیدتخت
آن به بزرگی ز بزرگان سترگ کز گهر اوست بزرگی بزرگ
(همان: گ ۶۶۰ ر)

- تعریف، تمجید و توصیفات فراوان از دل

وی در شعرش با تعبیر زیبایی از دل یاد می‌کند:

قبله ایوان الهی است دل ماهچه رایت شاهی است دل
افسر سلطان سریر یقین تخت سلیمان سعادت نگین
تکمه پیراهن جان‌های پاک نقد بقا را گره تابناک
(همان: گ ۷۰۰ پ)

و معتقد به دو دل است: یک دل که جنبه عرفانی دارد و جایگاه خدا و عشق است و پیکری از جوهر رحمانی است و یکی هم همین دل مادی که عضوی از بدن است و مانند همه عرفا این دل مادی را بی‌ارزش می‌داند.

دل نه همین مضغه رحمانی است پیکری از جوهر رحمانی است
دل اگر این است که داری به تن به که کنی طعمه زاغ و زغن
دل نبود اینکه تو دانی گل است این دل تو کالبد آن دل است
دست چو بر کالبد گل زدند رشته جان را گره دل زدند
(همان جا)

از دید او دل اهل صفا کنگره عرش الهی است:

خیز و دل اهل صفا را ببین کنگره عرش خدا را ببین
(همان: گ ۷۰۲ پ)

- تعریف و ستایش قلم

ای شده بر قله قاف قلم چشمه معنی است شکاف قلم
آن‌که در ایوان دبستان جود شد الف ابجد لوح وجود
حرف نخست از ورق ما خلق سطر درست از سبق ماسبق
چشم‌گشاینده هم‌نظرون نقش‌نگارنده مایسترون
(همان: گ ۶۸۶ ر)

کرده دوات از پی خلوت‌گزین همچو فلاطون شده گه خم‌نشین
راز سفیدی و سیاهی در او حرف الهی و ملامهی در او
(همان: گ ۶۸۸ ر)

شیخ فیضی قلم را به‌عنوان پیر و شمع راه خود در راه معانی معرفی می‌کند و مدعی است
به‌واسطه همین قلم در راه معانی به شهرت رسیده و پرده‌های غیبی را با آن می‌گشاید:

در ره معنی است قلم پیر من شمع ره عرصه شبگیر من
از قلمم در ره معنی علم پرده در غیب به نوک قلم
(همان: گ ۶۸۸ ر)

- ستایش سخن

هرچه ز گنجینه «کن» یافتند از در سلطان سخن یافتند
کارگشا اوست درین کارگاه تخت‌نشین اوست درین بارگاه
کون و مکان یک طرف از کشورش کن فیکون یک رقم از دفترش...

غرقه این بحر نیابد کنار
سلسله پای سخن دلکش است
گاه به نظم است ثریا به کار
(همان: گ ۶۸۰ پ)

عرصه این ملک ندارد غبار
وقت کسی خوش که به معنی خوش است
گاه به نثر است کواکب‌نثار

- عظمت و بزرگی انسان

فیضی در مبحثی از کتاب خود با عنوان «شکوه بشر»، عظمت و بزرگی انسان را یادآور شده و با تعابیر زیبا و جالبی از انسان یاد می‌کند:

تازه‌ترین میوه باغ وجود
چله‌کش صومعه‌داران خاک
قبله خورشیدپرستان ذات...
پردگی روی مسما تویی
(همان: گ ۶۹۶ پ)

کهنه‌ترین باده بزم شهود
فیض‌ده حجره‌نشینان خاک
نیست کسی غیر تو در کائنات
پرده‌کش طلعت اسما تویی

و معتقد است که گنج‌های دو عالم به آدمی داده شده و آدمی امانت‌دار گنج ازلی است و نباید در این امانت خیانت کند:

هرکه زبردست تو را زبردست
گنج دو عالم به کف دست تو
گنج ازل را تو امین آمدی
سوی امانت به خیانت مبین
(همان‌جا)

هرچه بلند از تو به مقدر پست
سهم سعادت به سر شست تو
گنج‌وش از خاک‌نشین آمدی
گنج ازل جز به امانت مبین

- ستایش عقل و خرد

قافله‌سالار ره مقبلان...
قطب‌نمای فلک لم یزل

بدرقه محمل صاحب‌دلان
جام جهان‌بین حکیم ازل

عقل بزرگ است و بزرگی ده است
صد صف لشکر نه به یغما کند
هر که خرد یافت دو عالم ازوست
بر سر ما تاج بزرگی نه است
آنچه خرد با تن تنها کند
جز دو جهان گر بود آن هم ازوست
(همان: گ ۷۰۴ پ)

- تشویق در پی کسب علم

فیضی بعد از ستایش خرد به ستایش علم واقعی می‌پردازد. او علم را وسیله‌ای برای رهایی از ورطه فنا و نابودی می‌داند:

بحر خرد را دُر یکتاست علم
رهزن تاریک‌روان خیال
شمع هدایت به کف شب‌روان
بلکه خرد گوهر و دریاست علم
رهبر منزل‌طلبان کمال
نور یقین در دل مه‌پرتوان
(همان: گ ۷۰۴ ر)

و تعریض به کسانی می‌زند که فقط در پی جمع‌آوری کتاب هستند و هیچ دانش و علمی ندارند:

حرص کتب ساخته دیوانه‌ات
مستی‌ات از علم بود ناصواب
کلبه بزاز شده خانه‌ات
باده می‌الا ز غلاف کتاب
(همان‌جا)
(همان: گ ۷۰۶ پ)

- ستایش حُسن و زیبایی

حسن به هر پشته که آتش کند
حسن به خورشید ببخشد نگین
حسن زند زمزمه بر گوش عشق
مشعل خورشید مشوش کند
ناصره را زهره بود خوشه‌چین
حسن نهد خمکده بر دوش عشق
(همان: گ ۷۱۰ پ)

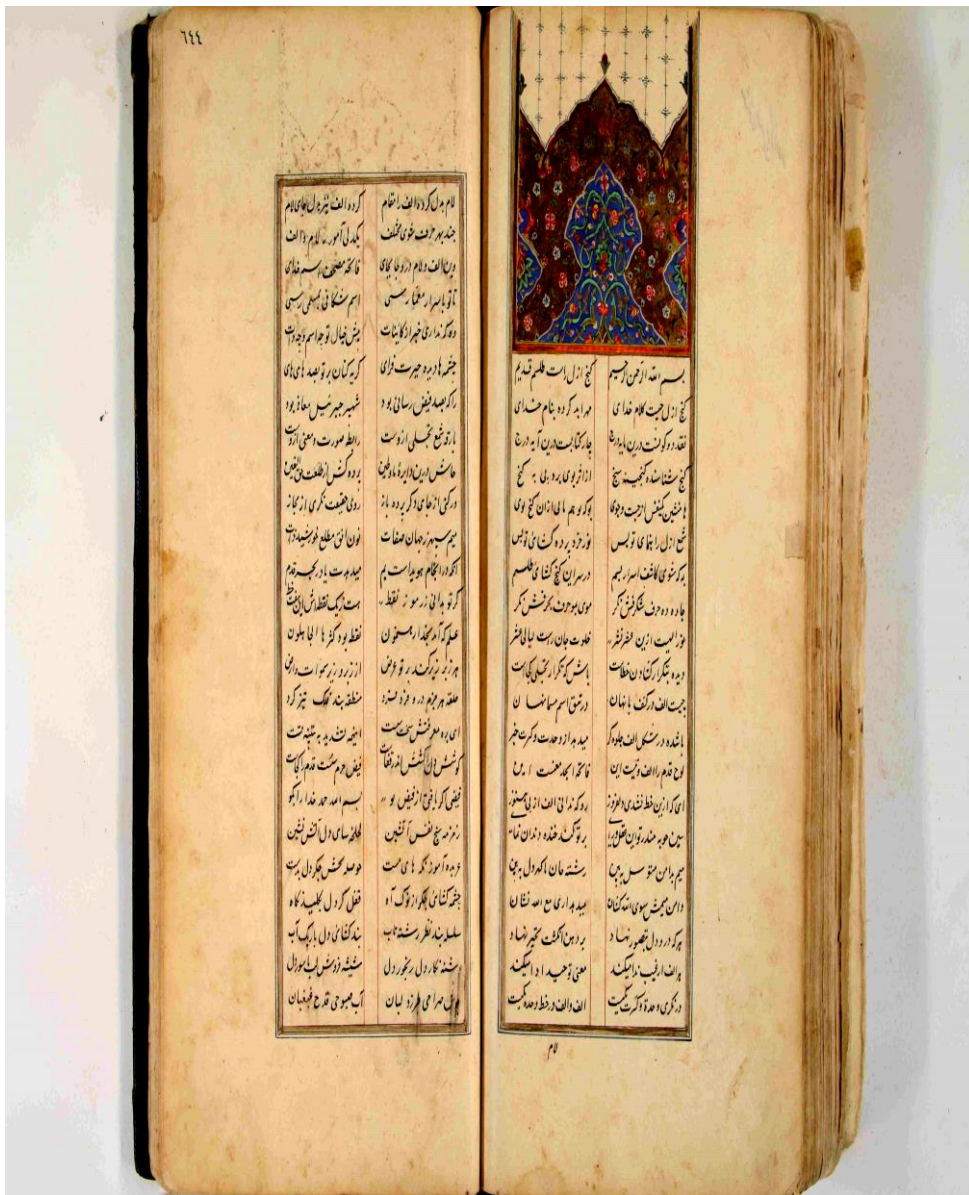
۷. شاخصه‌های سبکی مرکز ادوار

از آنجا که این مثنوی از آثار برجسته فیضی است و او از شاعران پیشگام در سبک هندی است، پرداختن به شاخصه‌های سبکی آن می‌تواند ضروری و قابل توجه باشد. هرچند فیضی شاعری معناگراست، به مناسبت‌های مختلف در این مثنوی به کمک صور خیال و آرایه‌های ادبی گوناگون، کلام خود را زینت داده است؛ به طوری که می‌توان انواع آرایه‌های لفظی و معنوی سخن را در این اثر به وضوح و با بسامد بالا یافت. همچنین در زمینه ساخت ترکیبات زیبا و بدیع این مثنوی قابل توجه است. نیز مضمون‌آفرینی، تصویرسازی، استعاره‌گرایی او در این اثر در نوع خود تازگی‌هایی دارد.

۸. نتیجه‌گیری

اکثر شاعرانی که مثنوی‌های عرفانی مبتنی بر تعلیم، وعظ و حکمت فراهم کرده‌اند، از نظامی بهره برده و به *مخزن‌الاسرار* توجه ویژه‌ای داشته‌اند. این توجه هم در وزن است و هم در محتوا و حتی گاهی در ساختمان شعر؛ هرچند که هیچ‌کدام توفیق نیافتند به پایه نظامی برسند. ولی ذکر این نکته لازم است که تلاش شاعران و عارفان هیچ‌گاه متوقف نشده و سرایندگان خوش‌قریحه و با ذوق زیادی در قرن دهم تا دوازدهم توانسته‌اند با تازه‌گویی خود را به نظامی نزدیک کنند. باری یکی از اینان شیخ ابوالفیض فیضی فیاضی بود. فیضی در مثنوی خود موسوم به *مرکز ادوار* از *مخزن‌الاسرار* نظامی پیروی کرده است. از این مثنوی با توجه به مقبولیت آن نسخه‌های زیادی وجود دارد که تاکنون به چاپ علمی و انتقادی نرسیده است. ساختار کتاب *مرکز ادوار* فیضی متأثر از *مخزن‌الاسرار* است و او مانند نظامی در بیست مقاله، موضوعات گوناگونی را مطرح کرده است. فیضی آغاز کتابش را با توضیح و تشریح «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کرده است. او در پایان هر بخش از کتاب خود به سبک نظامی یک حکایت متناسب با موضوع و برای تفهیم بیشتر موضوع مورد بحث مطرح

کرده است. در پایان باید گفت که فیضی از نظیره‌گویان موفق نظامی در شبه‌قاره هند محسوب می‌شود.



صفحه اول مرکز ادوار از نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

منابع

۱. اوحدی حسینی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹)، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد (با نظارت علمی محمد قهرمان)، تهران: میراث مکتوب با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز مجلس شورای اسلامی.
۲. بداؤنی، عبدالقادر (۱۳۸۰)، *منتخب‌التواریخ*، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق هـ سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳. خزانه‌دارلو، محمدعلی (۱۳۷۵)، *منظومه‌های فارسی*، تهران: روزنه
۴. رزم‌جو، حسین (۱۳۸۲)، *نقد و نظری بر شعر گذشته‌فارس از دیدگاه اخلاق اسلامی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۵. رسالت‌پناهی، محمدمصطفی و همکاران (۱۳۹۷)، «فیضی غیاضی و غزل غنایی وی»، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*، دوره ۱۶، شماره ۳۰، ۷۱-۹۰.
۶. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، *سیری در شعر فارسی*، تهران: نوین.
۷. سحر کاکوروی، منشی احمدحسین (۱۳۸۵ش؛ ۲۰۰۷م)، *طور معنی*، مقدمه، تصحیح و تعلیق رئیس احمد نعمانی، دهلی: مرکز تحقیقات فارسی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۸. سدارنگانی، هرامل (۱۳۵۵)، *پارسی‌گویان هند و سند*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران زمین.
۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری، چ ۵، تهران: فردوس.
۱۰. علامی، ابوالفضل (۱۳۱۰ق)، *آیین اکبری*، به کوشش سید تصدق حسین صاحب، لکهنو: نول‌کشور.
۱۱. فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، *نقد ادبی در سبک هندی*، ویراست دوم، تهران: سخن.

۱۲. فیضی دکنی، ابوالفیض بن مبارک (۱۳۸۲)، *نل و دمن*، تصحیح و مقدمه سید علی آل داوود، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. — (بی‌تا)، *مرکز ادوار*، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۳۴۹۰۷، بی‌کا.
۱۴. — (قرن ۱۱)، *کلیات فیضی*، مشتمل بر دیوان، مثنوی نل و دمن، مرکز ادوار، دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۳۴۴۵، بی‌جا: بی‌کا.
۱۵. محمدی‌پور، میترا (۱۳۹۴)، *تصحیح و تعلیق مثنوی مرکز ادوار فیض دکنی*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان.
۱۶. مولوی آغا احمدعلی، احمد (۱۹۶۵ م)، *تذکره هفت آسمان*، کلکته: انجمن آسیایی بنگال.
۱۷. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۶)، *مخزن الاسرار*، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
۱۸. نعمانی، شبلی (۱۳۶۸)، *شعرالعجم، تاریخ شعرا و ادبیات ایران*، جلد ۳، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چ ۳، تهران: دنیای کتاب.
۱۹. نوشاهی، عارف (۱۳۹۰)، *کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)*، تهران: میراث مکتوب.
۲۰. واله داغستانی، علی قلی بن محمدعلی (۱۳۸۴)، *ریاض الشعرا*، مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
۲۱. هاشمی کرمانی، سید شاه جهانگیر (۱۹۵۷ م)، *مظهر الآثار*، تصحیح و مقدمه سید حسام‌الدین راشدی، کراچی: انجمن ادبی سندهی.